

نغمه پرنده

نمایشی برگرفته از اثر ابن سینا



بهار سال ۱۹۹۳ (۲۴ می تا اول ژوئن) جشنواره جهانی تئاتر پی‌یترا نیامتز (Pietra Neamtz) رومانی شاهد نمایشی براساس اثر ابن سینا بود. این نمایش با عنوان The Recital of the Bird یا «نغمه پرنده» برگرفته از «رساله الطیر»، اثر جوادان، ابن سیناست. در ادبیات ایران، رساله فرمی است که در آن نویسنده شرح معنوی / درونی خود را از طریق داستانی رمزی و تمثیلی بازگو می‌کند. کارگردان این اثر، مسعود سعیدپور، با پایبندی کامل به معانی درونی داستان توسط «مونتاز متن»^۱، با استفاده از دیگر آثار بزرگ ادبیات ایران و جهان چون مثنوی مولوی، بخشی از رساله‌های داستانی شهاب‌الدین سهروردی، نوشته‌های ریتر ماریا ریلکه (Rainer Maria Rilke) و قصص الانبیاء الکسائی، متن جدیدی نوشته است تا ضمن سازگاری با ریتم نمایشی، تعبیر پیچیده و رمزی داستان را هرچه آشکارتر سازد.

موزون و ریتمیک بدنی زمان و مکان داستان را برای تماشاگر تغییر می‌دهند، دو بازیگر دو ترائه کاملاً متفاوت را به صورت یک دیالوگ صحنه‌ای اجرا می‌کنند.

این فرم نمایش که متأثر از فرم باستانی نقالی/نمایش است در درون خود شعر را با آواز، آواز را با حرکات بدنی موزون، حرکات بدنی را با نقش آفرینی، نقش آفرینی را با روایت داستان و روایت داستان را با شعر در هم می‌آمیزد.

نمایش «نغمه پرنده» در تابستان ۷۱ مورد نقد بسیار مثبت یرژی گروتوفسکی (Jerzy Grotowski)^۲ واقع شد و موضوع مقاله‌ای است که در فصلنامه دراماریویو (The Drama Review) چاپ دانشگاه نیویورک (The New York University) منتشر شده است. در این مقاله بخش‌هایی از نقد گروتوفسکی نیز آمده است.

در آغاز نمایش گروه بازیگران وارد صحنه می‌شوند و راوی تماشاگران را آماده شنیدن سرگذشت غمناک خود می‌کند. «برادرانِ حقیقت، من در ازل پرنده بودم، آشیانم در بوستان همیشه‌سبز سلطان ازل.» تماشاگر خیلی زود پی می‌برد که داستان در حقیقت در مورد روح اوست - که راوی آن را به یک پرنده تشبیه می‌کند و توسط هم‌بازی مؤنث او در لباس عروس اجرا می‌شود. پس در حقیقت راوی و پرنده هر دو یکی هستند، دو جزء از وجود یک انسان، پاره مذکر و مؤنث، سمبلی از کالبد و روان. آنگاه راوی تماشاگر را به سفری افسانه‌ای و جادویی می‌برد. پرنده در حین پرواز به دام صیادان می‌افتد، پس از مدتی طولانی، خویشتن خویش و اصالت خود را فراموش می‌کند، و آنگاه که نسیمی رایحه گل‌های بوستان سلطان را به مشام او می‌رساند، به خود آمده، خود دروغین را می‌میراند (چنان‌که در داستان بازرگان و طوطی در مثنوی مولوی آمده است) و با راهنمایی پرنده رهایی یافته قصد بازگشت به سوی بوستان سلطان، منزله ازل خود می‌کند. اما باید از هفت کوه عبور کند. در هر کوه مورد آزمایش سلطان که در ظواهر گوناگون نمایان می‌شود قرار می‌گیرد. او باید از مسخ‌شدگی و روزمرگی زندگی مکانیکی رهایی یابد.

نمایش «نغمه پرنده» تأکید خاصی روی ساده‌نگری در نمایش داشته است و سعیدپور در کارگردانی این نمایش عمداً از ساده‌نگری استفاده نموده. صحنه نمایش با حداقل دکور، چهار صندلی و یک میز، یک قالی ایرانی و نور ثابت صحنه، بازیگران را به مهم‌ترین ابزار نمایش تبدیل می‌نماید. تور عروس با یک حرکت ریتمیک به دام صیادان تبدیل می‌شود و تماشاگر بدون این‌که وقت اندیشیدن داشته باشد بازیگر را در محیطی کاملاً دگرگون می‌یابد. دو پر که سلطان در آغاز نمایش به پرنده اهدا نموده است. ناگاه به پرنده‌ای بران تبدیل می‌شود. بازیگران خود صدای باد را می‌سازند، با ترانه‌های گوناگون فرم‌گویی و احساسی و با حرکات

پی‌نوشت‌ها:

۱. مونتاز متن یا Textual Montage عنوانی است که نخستین بار توسط یوجینیو باربا (Eugenio Barba) در نقد کار بزرگ یرژی گروتوفسکی (Jerzy Grotowski) «دکتر فاستوس»، کریستوفر مارلو، به کار رفته است.
 ۲. گروتوفسکی: بنیان‌گذار تئاتر لابرانور لهستان که با کارهای تئاتری خود هم‌چون «میش شامزاده»، (The Constant Prince) شهرتی جهانی یافت.
- «درام عینی» (Objective Drama) و «هرهای آبیسی» (Ritual Arts) دو عنوان آخرین فعالیت‌های هنری اوست که مورد شگفتی منتقدان تئاتری قرار گرفته است. در سال ۱۹۹۱ بنیاد مک آرنور (Mac Arthur Foundation) عنوان نامنه سال را به او اهدا کرد.